

عنوان مقاله:

تحلیل ساده نویسی در عاشقانه های بیژن جلالی

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات غنایی، دوره 11، شماره 38 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

نویسندگان:

داوود ملک زاده - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

عبدالحسین فرزند - دانشیار زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

منصوره ثابت زاده - استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

بیژن جلالی از نخستین شاعرانی است که به شعر منثور با زبانی ساده روی آورد. این امر، نه تنها از مسیر تحولات شعر نو در ایران به ویژه از طریق نیما یوشیج، بلکه به واسطه حضور او در فرانسه و تاثیر از ادبیات اروپا شکل گرفت. جلالی از همان آغاز بیانی ساده در اشعارش داشت که از ابتدا تا انتهای شاعری اش با روندی تقریباً ثابت همراه بود. نکته ای که در معرفی و بررسی اشعار بیژن جلالی و در سایه ساده نویسی او مغفول مانده، عاشقانه های اوست. جلالی از نخستین آثار و در لابه لای اشعارش، ابیاتی عاشقانه نوشت و این روند را تا انتهای دوران شاعری ادامه داد. در این نوشتار به روش تحلیلی-توصیفی به سروده های عاشقانه وی پرداخته ایم تا ساده نویسی او را توضیح دهیم. نتیجه اینکه سادگی تعبیر و بیان، تصویربرداری از روزمرگی های زندگی، مستقیم گویی، به کاربردن مضامین به ظاهر سطحی و بی اهمیت، آغازهای تاثیرگذار، جذاب و ضربه زننده و هم چنین پایان بندی مناسب و غافل گیرکننده در عاشقانه های جلالی، از مواردی است که منجر به ساده نویسی شده است. با این که بسیاری از اشعار وی فاقد آرایه ها و شگرد های زبانی لازم برای منجر شدن به معنی معهود شعر است، به نظر می رسد همین تفاوت و تمایز درونی شده شاعر که حاصل پیوند بی تکلف او با جهان هستی است، منجر به این زبان ساده، خاص و منحصر به فرد شده است؛ به گونه ای که می توان امضا و اثر انگشت شاعر را در اشعارش دید.

کلمات کلیدی:

شعر معاصر، شعر عاشقانه، ساده نویسی، بیژن جلالی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1248080>

